

نوع مقاله: پژوهشی - مروری

صفحات ۲۶۸ - ۲۴۷

مطالعه تطبیقی تاریخی زمینه های انقلابات ایران ، مصر ، لیبی، تونس، یمن: تاکید بر تمایزات و تشابهات انقلاب ایران با چهار انقلاب دیگر

علی ویسمه ای^۱

فرانک سیدی^۲

پیمان عین القضانی^۳

چکیده

انقلاب تحولی، با اهداف سیاسی اجتماعی است. فرایندی است که به مدد عمل توده ای با رهبری آرمان های برخاسته از اندیشه های بلند رخ می دهد و با گسستن از گذشته ای که توام با نابرابری و ستم است و آینده ای که هنجارهای جدید همراه با عدالت و آزادی را نوید می دهد، توام است. همانگونه که ارسطو معتقد است نابرابری های موجود از عوامل زمینه ساز انقلابات هستند. هدف مقاله تبیین جامعه شناختی و مقایسه انقلابات مصر، تونس، لیبی و ایران است که با استفاده از نظریات جانسون و فوران به تحلیل و تبیین پرداخته شده است. روش تحقیق روش اسنادی است که به تحلیل محتوی متون مربوطه پرداخته می شود و ابزار گردآوری اطلاعات میدانی است. نتایج نشان داد از جمله عوامل مشترک زمینه ساز این انقلابات: بی کفایتی سیاسی و مدیریتی حاکمان، استبداد و قدرت مطلقه و فاصله گرفتن از مردم، بحران های مالی و اجتماعی گسترده و پیامدهای آن (بیکاری، تورم، کاهش رشد اقتصادی، آسیب های اجتماعی، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی، بی هنجاری و...)، حضور روشنفکران و مردم در صحنه، وجود شبکه های اجتماعی مجازی و الگوگیری از سایر انقلابات، وجود رهبران هدایت کننده و خوش فکر، وابستگی و توسعه نامتوازن است. تمایز انقلاب ایران با این انقلابات: ریشه اصلی انقلاب ایران مذهبی ولی ریشه اصلی انقلابات دیگر اجتماعی است. اهداف آرمانی انقلاب ایران حکومت مهدی (عج) است و عدالت برگرفته از اسلام ولی اهداف آرمانی سایر انقلابات عدالت برگرفته از نظرات و فلاسفه غربی (مثل افلاطونی) است. تمایز دیگر رهبری برخاسته از مردم ایران و فرهمندان بود.

واژگان کلیدی

انقلاب، مطالعه تطبیقی، ایران، تمایزات، زمینه های انقلاب.

۱. دانش اموخته کارشناسی ارشد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. گروه جامعه شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: F-Saidy@iau-arak.ac.ir

۳. دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد اراک، اراک، قم.

Email: Taha_gh2006@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۷

طرح مسأله

تحولات برابندی از علل متعدد و بهم پیوسته ای است که، تکنولوژی، احساس محرومیت، وابستگی به قدرت‌های بیرونی، جدایی دولت-ملت، تضعیف حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی مردم و ناکارآمدی دولت، نظام استبدادی و فقدان دموکراسی از مهم‌ترین علل آن می‌باشند. انقلاب از مهم‌ترین تحولات اجتماعی است که بدلیل تغییر ساختاری به ندرت اتفاق افتاده است. جزمیت و سنگوارگی در ساختار قدرت سیاسی و فلج شدن چرخه تعامل میان مردم و حاکمیت یا فقدان تعامل منجر به تحولات انقلابی در قرن‌های مختلف می‌گردد.

بدین لحاظ نگارندگان با این رویکرد که حرکت‌های قرن ۲۰ بیشتر جنبه مردمی و ایدئولوژیکی داشته ولی در هر کدام مردم را به رسمیت نشناخته و حکومت مردمی را نخستین مطالبه خود مطرح نمی‌کردند، به تبیین موضوع می‌پردازد. اعتراضات اخیر که جهان عرب را فراگرفته، تحلیل‌گران را با تجزیه و تحلیل‌های گوناگون مواجه نموده و نتایج گوناگون را پدید آورده است. به طوری که حاکمان مصر و تونس به سرعت و حکومت لیبی و یمن پس از ماه‌ها مقاومت سقوط کردند. این تحولات که با جنبش‌های اعتراضی در جهان عرب و بسیاری کشورهای منطقه گسترش پیدا کرده است، از نسل جدید از انقلابیون نشأت گرفته که نه به حکومت‌های ناسیونالیسم و استبدادی گذشته جهان عرب علاقه دارد و نه به بنیادگرایان افراطی که در سال‌های اخیر شاهد گسترش آن بوده ایم. این معترضین افرادی هستند که زیر پرچم دموکراسی خواهی و حقوق بشر، نظم سیاسی را به چالش کشیده‌اند و گاه توانسته‌اند رژیم‌های استبدادی چندین ساله را به زیر کشند. (اندرسون، ۱۳۹۰) در این مقاله با مطالعه و تبیین جامعه‌شناختی این انقلابات به این سوالات پاسخ داده می‌شود که تشابهات بین انقلاب ایران و این انقلابات چیست؟ تمایزات انقلاب ایران و این انقلابات کدام است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت استراتژیک خاورمیانه، توجه به تحولات و تحولاتی که در این منطقه نیز صورت گرفته اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر اهمیت این منطقه منجر به توجه

خاص قدرت های بزرگ به این منطقه و تلاش در راستای نفوذ صورت گرفته است. بر این اساس مطالعات و تحقیقات زیادی صورت گرفته و با رویکردهای مختلفی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. تاثیر این انقلابات بر روی همدیگر و پیامدهای حاصل از آن نکته ای است که باید مورد بررسی قرار گیرد. پیامدهای ایجاد شده می تواند گواه اهمیت بررسی این جنبش ها و تحولات باشد و زمینه و ضرورت بررسی تمایزات و تشابهات را فراهم نماید.

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق: تبیین و توصیف انقلابات ایران، مصر، لیبی، تونس، یمن

اهداف فرعی

۱- تعیین تشابهات بین انقلاب ایران و انقلابات مصر، لیبی، تونس، یمن

۲- تعیین تمایزات بین انقلاب ایران و انقلابات مصر، لیبی، تونس، یمن

تونس قبل از انقلاب: این کشور از سال ۱۸۸۱ تا ۱۹۵۶ تحت استعمار فرانسه قرار داشت. از زمانی که تونس استقلال خود را بدست آورد تا روز ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ حزب گردهمایی قانونی که نقش اصلی را در استقلال تونس بازی کرد، حکومت را در دست داشت. حبیب بورقیبه که رهبری این حزب را در دست داشت با کودتای بدون خونریزی نخست وزیر خود سرنگون شد. بورقیبه ناسیونالیستی سکولار بود که مدرنیزاسیون اقتصادی اجتماعی را در صدر اولویت های خود قرار داد و گسترش حقوق زنان و توسعه اقتصادی تا حدودی موفق بود. بن علی نیز در زمان سرنگونی بورقیبه در ۱۹۸۷ تا زمان فرار از کشور سیاست های اجتماعی و اقتصادی بورقیبه را ادامه داد. اما فضای سیاسی در دوره بن علی بسته تر و دولت ویژگی پلیسی بارزتری به خود گرفت (نیاکوتی، ۱۳۹۰)

حزب اکثریت از حدود ۲۰۰۰۰۰۰ عضو و بیش از ۶۰۰۰ نماینده در سراسر کشور تشکیل شده است. این حزب در زمان بورقیبه حزب سوسیالیست قانونی نام داشت. اگر چه نام حزب تغییر یافته است، سیاست های آن همچنان عمدتاً سکولار است. از سال ۲۰۰۷ تمامی احزاب سیاسی که در پارلمان نماینده دارند، از یارانه های دولتی برای پرداخت هزینه های روز افزون کاغذ و انتشارات بهره مند شده اند، در حالی که تونس فاقد منابع

طبیعی همانند همسایگان خویش است، استاندارد زندگی در این کشورهای توسعه یافته است. اکثریت جمعیت تونس عرب هستند. اما اقلیت کوچکی از بربرها نیز وجود دارند. زبان فرانسوی نقش مهمی در این کشور دارد. بیشتر تونسی‌ها تحصیلاتی می‌توانند بدین زبان صحبت کنند، ۹۸ درصد مردم مسلمان هستند. همچنین دربردارنده یکی از قدیمی‌ترین جامعه یهودیان است. (مرشدی زاده، ۱۳۹۰)

مصر قبل از انقلاب: مصر یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری است. اقتصاد مصر یکی از متنوع‌ترین منابع درآمدی را در کشورهای خاورمیانه داراست. از سال ۱۹۵۲ با کودتا صاحب حکومت جمهوری شد. مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون به مصر لشکر کشید و در سال ۱۸۰۵ میلادی محمدعلی پاشا از طرف دولت عثمانی حاکم آنجا شد. برای مدت‌ها مصر تحت الحمایه بریتانیا بود ولی پس از جنگ جهانی اول بر اثر فشار مردم استقلال مصر را اعلام کرد. در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در سال ۱۹۶۵ عبدالناصر به ریاست جمهوری فراتر به مصر حمله کرد، اما با پشتیبانی شوروی پیشین و بی‌طرفی آمریکا بدون نتیجه خاتمه یافت. طی سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ دو جنگ دیگر نیز مصر و دیگر کشورهای عربی اسرائیل رخ داد. (ویسمه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰)

یمن قبل از انقلاب: یمن منطقه‌ای است در جنوبی‌ترین قسمت شبه جزیره عربستان که در سال ۱۹۹۰ اقوام آن متحد شده و تشکیل جمهوری یمن را دادند. اکثر جمعیت یمن کشاورز هستند و از سال ۱۹۸۶ با استخراج نفت و صدور آن دگرگونی‌های اساسی در اقتصاد یمن بوجود آمد. (ماهنامه اتاق بازرگانی: ۱۴)

یمن طی قرن‌ها به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده است. بخش شمالی دارای مناطق کوهستانی و صعب‌العبور بخش جنوبی منطقه‌ای هموار می‌باشد. این امر باعث شده که یمن شمالی از همان ابتدا به دلیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن آن، کمتر مورد تعرض قرار گیرد؛ در نتیجه آن بافت فرهنگی و اجتماعی به شکل نسبتاً پایدار و ثابت و البته متفاوت از دیگر بخش‌های این کشور شکل گرفت. برعکس قسمت جنوبی به دلیل اینکه در کناره‌ی دریای سرخ و خلیج عدن است منطقه‌ای با نابهجاری‌های اندک است، که

تحت تاثیر فرهنگ و ارتباطات مختلف بوده است و همواره حکومت های مختلف به آن تعرض کرده اند. در طول جنگ سرد و تحت تاثیر مقتضیات خاص نظام دو قطبی شمال و جنوب یمن به صورت دو دشمن بارها وارد درگیری شدند و حتی تا مرز جنگ نیز پیش رفتند. این مسئله جدایی دو یمن را بیش از پیش تشدید می کرد. بنابراین باید گفت که دو یمن دو گونه متفاوت از هم بودند؛ یمن شمالی یک جامعه عمیقاً مذهبی بود با نفوذ گسترده قبایل به خصوص دو قبیله بزرگ «حاشد» و «بکیل» که نفوذ سیاسی زیادی نیز اعمال می کردند. در جهت عکس یمن جنوبی به خصوص شهر عدن به نسبت سکولار بود و حقوق بشر و حقوق زنان رعایت می شد. (جوکار، ۱۳۹۰)

این تفاوت که محصول دو انقلاب در دو یمن در دهه ۱۹۶۰ بود. در یمن شمالی در سال ۱۹۶۲ طی یک کودتا که توسط جمهوری خواهان مخالف نظام امامت شکل گرفت، یک رژیم جمهوری بر سر کار آمد و یمن شمالی به جمهوری عربی یمن تغییر نام داد. یمن جنوبی نیز پس از ۱۳۰ سال که عدن مستعمره بریتانیا بود، رسال ۱۹۶۷ طی یک جنبش انقلابی به استقلال رسید و جمهوری دموکراتیک خلق یمن در این بخش تشکیل شد.

لیبی قبل از انقلاب: لیبی کشوری بیابانی که تنها دودرصد قابلیت کشاورزی دارد بنابراین بخش عمده مواد غذایی را وارد می کند. بیش از ۹۷٪ مردم لیبی مسلمان هستند و اغلب اهل تسنن هستند. لیبی ۹۰٪ به صادرات نفت متکی است و مابقی گردشگری است. حکومت قذافی صنایع این کشور را دولتی کرد و در عرصه سیاست خارجی رویکردی ضد غربی و متغیر در پیش داشت. این تغییرات مناسبات لیبی را حتی با شماری از کشورهای عربی نیز تنش آلود کرد.

ایران قبل از انقلاب: در طی دو انقلاب (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی) که در ایران اتفاق افتاد فرایندهایی وجود داشت که منتج به انقلاب شد: در فرایند سیاسی (پیدایش دولت وابسته و سکولار)، در فرایند اقتصادی (اقتصادی متأثر از اقتصاد جهانی سرمایه داری)، در فرایند اجتماعی (تشکیل طبقات اجتماعی و افزایش شکاف طبقاتی)، فرآیند فرهنگی (گذار از فرهنگ مذهبی به فرهنگ غیر مذهبی). حیطه عمومی جامعه

یعنی مساجد، تکیه‌ها، بازارچه‌ها، قهوه‌خانه‌ها در بسیج توده‌ها سهم زیادی داشته و قرارداد های خارجی را لغو می‌کردند. سرکوبی جنبش های سیاسی و سرکشی های محلی و رفرم های اجتماعی و اقتصادی، تشکیل اولین دولت مقتدر مرکزی و ایجاد ارتش و ژاندارمری از جمله مواردی بود که عرصه اجتماعی اقتصادی و سیاسی را بر مردم تنگ نمود و منتج به انقلاب شد.

ادبیات نظری

انقلاب در لغت به معنای چرخش، واگشت، آشوب، شورش می‌باشد. (آریان پور،

۱۳۶۷: ۹۱۸)

تحول سیاسی پیچیده‌ای است که در طی آن حکومت مستقر به دلایلی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و با گروه های گوناگون سیاسی و اجتماعی به مبارزه بر می‌خیزد تا قدرت سیاسی را قبضه کنند. این مبارزه اغلب مدتی طول کشیده، سرانجام نهادهای جدید سیاسی جانشین نهادهای قبلی می‌شوند. عناصری که منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شود نارضایتی اجتماعی، پیدایش گروه های بسیج‌گر، ناتوانی در قوای سرکوب دولت و کوشش برای ایجاد ساخت جدید قدرت را تشکیل می‌دهند. (بشیریه، ۱۳۷۲: ۱)

در بررسی روند تاریخی انقلابات، از انقلاب کشاورزی به انقلاب صنعتی و سپس به انقلاب تکنولوژی می‌رسیم. انقلاب صنعتی نسبت به انقلاب کشاورزی نیاز به نیروی انسانی کمتری داشت. با بروز انقلاب تکنولوژیک و استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی، نسبت به قبل نیاز به نیروی انسانی کمتری بود و این امر ضرورت پرداختن به تبلیغات با ابزارهای نوین و تاثیرگذار را فراهم می‌نماید. (سیدی، ۱۳۹۸: ۸۱)

پیشینه نظریات انقلاب: پیشینه نظریه پردازی درباره انقلاب به نظریه جک گلدستون می‌رسد که سه نسل از نظریه پردازان را مطرح نمود: ۱- مکتب تاریخ طبیعی انقلابات به رهبری مورخان تطبیقی مانند کرین بریتون، لایفورد پی ادواردز و... ۲- نسل دوم نظریه های عمومی انقلابی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که در نظریه پردازی های نوسازی و کارکرد گرایان ساختاری متجلی می‌گردد همچون جیمز دیویس، نیل اسملسر،

چالمرز جانسون ، ساموئل هانتینگتون و... ۳-نسل جدید الگوهای ساختاری انقلاب ، نظریه پردازانی همچون چارلز تیلی ، تدا اسکاچیل ، که بر مبنای کارهای برینگتون مور واریک وولف نظریات خود را مبتنی ساختند. (ورو جی، ۱۳۹۰: ۱۸)

در قرن ۲۰ نسل چهارم نظریات انقلاب نیز شکل گرفت که بر عواملی چون کارگزاری وایدئولوژی و سیر انقلاب ها پرداخت و بر ریشه ها ، فرآیندها و نتایج انقلاب تمرکز کرده اند. این گروه به ساختارهای اجتماعی و جایگاه کشورهای جهان سوم در نظام جهانی توجه دارند . رویکرد نگارنده در این مقاله با نظریه پردازان نسل چهارم همسو است.

نظریه کرین بریتون : او مانند اکثر تحلیلگران غربی با دیدی بدبینانه به انقلاب نگرسته و انقلاب را به بیمار تشبیه کرده است و علی رغم قداستی که در انقلاب در نزد انقلابیون دارد، حرکت انقلابی را هجوم میکروب به پیکر جامعه سالم تشبیه کرده است. (محمدی ، ۱۳۶۶: ۲۲)

او با بررسی رژیم های پیشین در فرانسه و انگلستان و آمریکا و روسیه مدعی وجود هفت نوع یکنواختی میان آنها شده است . بریتون عوامل و نشانه های انقلاب را متعدد و کشف یک الگوی روشن در این زمینه را دور از انتظار دانسته است. او یکنواختی ها را اینگونه بر می شمرد:

۱- انقلاب های چهارگانه در جوامع با اقتصادهای رو به نزول رخ نداده است بلکه برعکس در جوامعی روی داده که از نظر اقتصادی پیشرفت داشته است.

۲- شکست مالی دولت

۳- حکومت ناکارا

۴- تغییر تبعیت روشن فکران (به شکل گروه های فشار که با گذشت زمان در جهت دگرگونی اساسی حکومت حرکت می کنند)

۵- تباهی طبقه حاکم : آن گاه که برای اعضای بانفوذ طبقه حاکم این باور پیدا شد که در دست داشتن قدرت از سوی آنها ناعادلانه است ، یا همه در برابر عدالت جاودانه برابر و برادرند و یا باورهایی که خود با آن پرورش یافته اند ، نابخردانه است.

۶- ناهمسازی طبقاتی: در رژیم‌های پیشین کشورهای مورد بررسی نفرات طبقاتی به اندازه کافی افزایش و شدت یافته بود. طبقات متوسط فرانسه و انگلیس (پورتن‌ها) از اشراف زادگان بیزار بودند و بدان‌ها رشک می‌بردند و خود را از نظر اخلاقی از آنها برتر می‌دانستند.

۷- ناکامی شگفت‌انگیز زور: در هر انقلابی نقطه یا نقاطی است که در آن اقتدار قانونی به وسیله اعمال غیر قانونی انقلابیون مورد حمله قرار می‌گیرد. در چنین مواردی واکنش عادی هر حکومتی توسط به قدرت پلیسی یا قوای نظامی است. حکومت‌های مورد بررسی نیز چنین واکنشی را نشان داده‌اند، اما در هر مورد با ناکامی شگفت‌آوری روبرو شدند. آنها که از سوی طبقه حاکم مسئول چنین واکنش‌هایی بودند، آشکارا نتوانستند به اندازه کافی اعمال زور کنند. (ملکوتیان، ۱۳۷۶: ۷۷-۸۲)

نظریه جیمز دیویس: دیویس معتقد است در مرحله رشد اقتصادی، انتظارات و نیازهای جدید به وجود می‌آیند و در عین حال نیز ارضا می‌شوند. اما در مرحله رکود انتظارات و احساس نیازها نمی‌ایستند و یا عقب نمی‌روند، بلکه همچنان رشد می‌کنند. ولی در مقابل امکانات ارضا نیاز می‌تواند با رشد نیازها همراهی کنند. اگر منحنی رشد نیازها به صورت خطی است منحنی امکانات ارضا نیازها شبیه آنچه خواهد بود. به این علت فاصله بین احساس نیاز و امکانات واقعی ارضا نیاز مستمرا بیشتر می‌شود و در نتیجه ناامیدی عمیقی جامعه را فرا می‌گیرد که نهایتا موجب انقلاب می‌گردد. (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۹)

نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون: هانتینگتون در کتاب خود با عنوان «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» بخشی را به انقلاب اختصاص داده است. از نظر او انقلابات پدیده‌هایی کمیاب هستند. بیشتر جوامع هرگز انقلابی را تجربه نکرده‌اند. انقلاب جنبه‌ای از نوسازی یک جامعه سنتی است. انقلاب پدیده‌ای نیست که در هر جامعه و در هر تاریخی رخ می‌دهد که نوعی تحول اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده باشند و فراگردهای نوسازی و تحول سیاسی آنها از فراگردهای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی شان واپس مانده باشد. (ملکوتیان، ۱۳۷۶، ۱۳۴-۱۳۳)

برای وقوع انقلاب در کشوری که دستخوش نوسازی است، باید اول طبقه متوسط

شهری، روشنفکران، صاحبان صنایع، حرف و بازرگانان به اندازه کافی از سامان موجود بیگانه شده باشند. دوم اینکه روستاییان نیز به اندازه کافی واجد همین بیگانگی باشند و نهایتاً طبقه متوسط شهری و روستاییان، نه تنها در نبرد برضد دشمن واحد، بلکه در مبارزه برای قضیه واحد به اندازه کافی متحد باشند. گروه واقعا انقلابی طبقه متوسط است.

الگوی شرقی و غربی انقلاب: هانتینگتون انقلابات فرانسه، روسیه و مکزیک و نخستین مراحل انقلاب چین را به الگوی غربی و انقلاب ویتنام، آخرین مرحله انقلاب چین و نبردهای ضد استعماری را به الگوی شرقی نزدیک می داند. به نظر وی: ۱- در الگوی غربی نخست نهادها ی سیاسی رژیم پیشین برانداخته می شوند سپس گروه های جدید وارد صحنه سیاست می شوند، سپس نهادها ی سیاسی جدید ایجاد می شوند و در پایان نهادها ی سیاسی سامان پیشین با خشونت سرکوب می شوند. ۲- در الگوی غربی وقتی دولت متلاشی شد سه گروه اجتماعی در فراگرد تحولات سیاسی نقش عمده دارند، گروه اول میانه روها هستند گروه دیگر ضد انقلابی ها و مردان نظامی اند و سومین آنها انقلابی های تند رو هستند. ویژگی های شاخص انقلاب شرقی، وجود یک دوره طولانی قدرت دوگانه است که طی آن هم حکومت و هم انقلابیون در مناطقی دارای قدرت اند. ۳- در الگوی غربی، انقلابیون ابتدا در پایتخت به قدرت می رسند سپس به تدریج سلطه شان را به روستاها می گسترانند. اما در الگوی شرقی، انقلابیون از مناطق مرکزی و شهری عقب نشینی کرده، در منطقه ای دور از پایتخت متمرکز می شوند و از طریق ارباب و تبلیغات در صدد جلب پشتیبانی روستاییان بر می آیند. ۴- در الگوی غربی برای رژیم سقوط رژیم پیشین و آغاز ورود گروه های تازه وارد به صحنه سیاست تاریخ بسیار دقیقی وجود دارد (۱۴ جولای ۱۷۸۹ فرانسه، ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ چین) اما پایان نبرد مشخص نیست، اما الگوی شرقی اینگونه نیست و زمان شروع مشخص نیست، اما زمان انقلاب مشخص است. ۵) در الگوی غربی، معمولاً انقلاب برضد رژیم بسیار سنتی صورت می گیرد که در رأس آن یک شاه مستبد یا اشرافیتی قرار گرفته است. لیکن نوک حمله انقلاب های شرقی، به رژیم های تا حدی متجدد است که ممکن است عناصر نوین و نیرومند طبقه متوسط را جذب نماید. (ملکوئیان، ۱۳۷۶، ۱۳۶-۱۳۸)

توسعه نامتوازن: فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران از نظر روند، ماهیت و مشخصه های توسعه اقتصادی - اجتماعی می توان چنین ترسیم کرد:

۱- توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران، به عناصر جنبی و خارجی وابسته است. در واقع توسعه ای است حاشیه ای، التقاطی و پیرامونی

۲- توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران توسعه ای است ناموزون با فراز و نشیب هایی گاهی تند و گاهی برگشت به مراحل پیشین توسعه

۳- از مشخصه های مهم چنین توسعه ای می توان به عقب افتادگی های ساختاری شیوه های تولیدی و بخش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، وجود انواع شیوه های تولیدی و روابط و مناسبات اجتماعی و آشفتگی های فرهنگی اشاره نمود

۴- علل و عوامل چنین توسعه ای را می توان در دو طیف داخلی و خارجی تقسیم نمود.

۵- از علل و عوامل داخلی باید به ماهیت ترکیب و کارکرد ویژه مجموعه ارکان، عناصر و مولفه های تشکیل دهنده جامعه ایران و نقش و تاثیر عناصر جنبی و ثانوی در فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی اشاره کرد

۶- از عوارض و پیامدهای بسیار مهم ساختار نامورون و ناپایدار نظام اجتماعی، شکل گیری روابط اجتماعی ناعادلانه و تداوم آن در طول سده های طولانی و زمان حاضر است.

۷- از عوامل خارجی در دوره ماقبل نفوذ سرمایه داری در ایران باید به ورود تکنیک ها، گروه های قومی و اجتماعی، فرهنگ های عقب مانده و همین طور نیروی انسانی عقب مانده اشاره کرد که به صورت یورش های قبیله یی صورت گرفته است. در دوره نفوذ سرمایه داری باید به ورود بخشی از دانش فنی و فناوری پیشرفته غرب و فرهنگ حاصل از آن اشاره کرد که دستاوردهای فنی و فناوری و فرهنگ داخلی را مورد تهاجم قرار داده و متلاشی ساخته است. (سیف الهی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۸)

نظریه تحول انقلابی چالمرز جانسون: یکی از نظریه پردازان شاخص ساختاری - کارکردگرایانه پارسونزی است که به ارائه یک نظریه سیستمیک در مورد انقلاب می پردازد. او با مبنا قرار دادن بحث تعادل اجتماعی، علت انقلاب در هر جامعه را به عنوان

یک نظام یا سیستم بروز ناکارایی ورشد آن تا رسیدن به ناکارایی مرکب و چند جانبه در آن جامعه می داند. در صورت رسیدن ناکارایی به یک چنین سطحی و ترکیب آن با اصلاح ناپذیر بودن نخبگان حاکم که از تطبیق خود با شرایط جدید و انجام دادن اصلاحات برای همراهی روند تحول عاجزند، جامعه به سوی انقلاب خواهد رفت. خصوصاً اینکه عوامل شتابزایی هم بدان افزوده شود و نقش جرقه در انبار باروت را ایفا نماید، که در این حالت انقلاب قطعی خواهد بود. (خرمشاد، به نقل از جانسون، ۱۳۸۳: ۸۹)

تحول در دو چیز می تواند تعادل اجتماعی را برهم زند: ارزشهای مشترک و محیط از آنجایی که این دو عامل، عوامل اصلی وحدت و انسجام و ثابت در جامعه هستند، تحول در هر یک از آنها می تواند جامعه خود را با تحولات درونی و بیرونی پدید آمده در ارزش ها و محیط همراه سازند، عدم تعادل اجتماعی تا مرز انقلاب تداوم خواهد یافت و این انقلاب است که می تواند جامعه ای را به حالت تعادل بازگرداند. (همان، ۹۰)

به نظر جانسون جامعه شناسی ثبات پیش از جامعه شناسی انقلاب می آید. در درون یک سیستم اجتماعی متعادل ممکن است تغییراتی پدید آید و در نتیجه تعادل سیستم به هم بخورد. تغییرات یا ریشه در داخل نظام دارند و یا خارج از آن نیرو گرفته اند. پس ۴ گونه تغییر را مورد مطالعه قرار می دهیم: ۱- منابع تغییر ارزشی از خارج از نظام ۲- منابع تغییر ارزشی در داخل نظام ۳- منابع تغییر شرایط محیطی در خارج از نظام ۴- منابع تغییر شرایط محیطی در داخل نظام.

منابع خارجی تغییر در ارزش ها برای ما بسیار آشنا هستند. وسایل ارتباطی جهانی آثار بروز انقلاب در همسایگی یک جامعه، بروز عقاید و ایدئولوژی های خارجی به درون جامعه متعادل (الیاسی، ۱۳۶۳: ۷۴)

منابع داخلی تغییر در ارزش ها و عموماً شامل عقاید و ابداعات جدید هستند. منظور آن دسته از عقاید و تفکراتی هستند که مستقیماً بر ساخت ارزشی اثر می گذارند (همان، ۷۴)

منابع خارجی تغییر در محیط عبارتند از: وارد ساختن دانش پزشکی در جوامع توسعه نیافته که به افزایش میزان رشد جمعیت منجر می شود، رونق دادوستد به واسطه گشایش بازار خارجی، ورود صنایع و حرف مختلف، مهاجرت افراد روابط سیاسی بین

جوامع و نظیر اینها. منابع داخلی ایجاد تغییرات محیطی، اختراعات صنعتی مانند اختراع چرخ یا راه آهن را شامل می‌شوند (همان، ۷۸)

به نظر جانسون ممکن است این تغییرات از طریق اعطای امتیازات و یا پذیرش تحولات کنترل شوند و در نتیجه تعادل میان محیط و ارزش‌ها اعاده شود. اما اگر چنین کنترل به عمل نیاید، وضعیتی پیش می‌آید که جانسون آن را «اختلالات چندگانه» می‌نامد. در این وضعیت جامعه به خودی خود متعادل نیست. گروه حاکم می‌بایست به اعمال زور جهت حفظ انسجام جامعه متوسل شود. نتیجه چنین سیاستی ائتلاف منابع قدرت به وسیله رژیم است که به علاوه موجب از دست رفتن مشروعیت سیاسی دستگاه قدرت می‌شود. بدین ترتیب گروه حاکمه پس وقتی که زیر بار پذیرفتن دگرگونی‌ها نمی‌رود، با وضعیت انقلابی مواجه می‌شود که مرکب از اختلالات چندگانه و ائتلاف منابع قدرت و خدشه در مشروعیت است. از نظر ساختاری و یا کارکردی، این وضعیت شرایط لازم برای وقوع انقلاب را فراهم می‌کند. اما شرط کافی برای وقوع انقلاب ناتوانی گروه حاکم بر کاربرد وسایل زور و سرکوب است. با ذکر این شرط اخیر، جانسون به نظریه سیاسی یا رئالیستی انقلاب نزدیک می‌شود، اما اساساً به نظر او انقلاب و تحول ساختاری، نتیجه نا هماهنگی میان ارزش‌ها و محیط است. (بشیریه، ۱۳۷۲: ۵۳)

نظریه ارسطو: او شکل‌گیری انقلاب را به دو دسته فرعی و اصلی تقسیم می‌کند: علل اصلی انقلاب احساس وجود نابرابری و آرزوی برابری دانسته و علل فردی آن را به نفع طلبی فرمانروایان و محروم شدن مردم از حرمت آبرو و نیرو و نفوذ و وسعت و رشد بیش از اندازه بخشی از سازمان حکومت، تحرکات و دسیسه‌های انتخاباتی، سهل‌انگاری و بی‌توجهی به قانون اساسی و در نتیجه تغییر حکومت، ناسازگاری نژادی مردم، اختلافات عوامل جغرافیایی، حکومت را خوار و کوچک دیدن و حملات خارجی می‌داند. (ملکوئیان، ۱۳۷۲: ۳۰-۳۱)

انقلاب ایران از دیدگاه جان فوران: فوران انقلاب کشور های جهان سوم به ویژه ایران را انقلابی منحصر به فرد می‌داند و معتقد است، این انقلاب‌ها اعتبار پیشین در خصوص انقلاب و به ویژه نظریات ساختاری را زیر سوال برده است. با تاکید بر نظریه

امانوتل والرشتاین چارچوب نوینی برای تحلیل انقلاب های جهان سوم ارائه می دهد. به نظر او شروط لازم و کافی برای وقوع انقلابات اجتماعی در کشور های جهان سوم عبارتند از:

۱- ساختار اجتماعی که وجه مشترک آن جابه جایی و اختلاف ملازم با توسعه وابسته است

۲- دولتی شخصی گرا، سرکوبگر و وابسته (انحصار گرا) در کنار عدم همکاری نخبگان سیاسی و اقتصادی

۳- بیان پالایش یافته طبیعی از فرهنگ های سیاسی مخالف و مقاومت که قادر به بسیج نیروهای اجتماعی گوناگون باشند.

۴- بحران ناشی از یک تلاقی تاریخی که دو وجه دارد: زوال اقتصادی داخلی همراه با گشایش در نظام جهانی (فوران، ۱۳۷۵: ۲۲۹-۲۳۰)

فوران معتقد است برای ایجاد وضعیت انقلابی، هم زمان با زوال اقتصادی داخلی همراه با گشایش در نظام جهانی نیز به نوعی پدید آید. او معتقد است کشورهای جهان سوم در شرایط عادی با فشارهای بیرونی اقتصادی، سیاسی و نظامی از جانب کشورهای مرکز روبرو هستند. در واقع گشایش در نظام جهانی عبارت است از تضعیف این فشارها و کنترل های بیرونی و خارجی بر جوامع جهان سوم. در صورتی که کشورهای مرکز و سرمایه دار از کنترل و حمایت دولت های سرکوبگر و انحصار گرا که با فشار جهانی برای ایجاد توسعه وابسته به وجود آمده اند، دست بردارند، مخالفان نظام سیاسی موجود فرصت می یابند با توجه به نارضایتی های ایجاد شده در اثر ایجاد توسعه وابسته و نیز توان خود در سامان دهی و گسترش بسیج سیاسی و صورتبندی یک انقلاب اجتماعی ایجاد کنند. (همان ۲۳۱-۲۳۳)

روش تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش اسنادی، پژوهش‌هایی هستند که مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند آرشیوها یا آمارهای رسمی است. (مجدفر، ۱۳۸۲: ۲۷۶) روش تحقیق حاضر اسنادی - گذشته‌ای و تاریخی - مقایسه‌ای است.

پژوهش اسنادی بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا اینکه تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق در صدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آن که پژوهش نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید و در اصطلاح آنکه بخواهیم در یک زمینه خاص، مأخذ‌یابی کنیم. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶)

روش گردآوری اطلاعات میدانی بوده و با استفاده از کتب، مجلات و نشریات ادواری و اسناد معتبر بدست می‌آید و تجزیه و تحلیل اطلاعات با بررسی اسناد و مدارک صورت می‌گیرد.

نتیجه گیری

انقلاب از جمله مفاهیم جدید در حوزه اجتماعی و سیاسی است که سابقه چندانی ندارد. به عبارتی انقلاب از ویژگی های فرهنگی غربی و برخاسته از مدرنیسم و پدیده کمیابی است که بسیاری از جوامع آن را تجربه نکرده اند. اگر مبدا انقلاب به معنای جدید را قرن ۱۷ بدانیم ، از آن زمان تاکنون انقلابات زیادی واقع شده ، که مقایسه اینها می تواند به فهم و درک بهتر تحلیلگران کمک کند. با مقایسه انقلابات می توان به این رسید که انقلاب همواره در سرزمین هایی اتفاق می افتد که مردمان خواهان تحولات اساسی نه به شکل اصلاح بلکه تغییرات ساختاری در همه مناسبات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی در جامعه هستند. همچنین در تغییرات ساختاری عده ای که خواهان حفظ وضع موجود هستند با تغییرات مخالف هستند و خشونت با تغییرات توأم می گردد. با مقایسه انقلابات و یافتن اشتراکات می توان به بازتعریف مفهوم انقلاب رسید.

به نظر می رسد رویکرد بریتون در مورد چهار انقلاب ، با انقلابات مطرح شده در مقاله در برخی عوامل از جمله درحاشیه قرار گرفتن روشنفکران همراه با بحران های مرتفع نشدن دولتی ، پاسخ نامناسب رژیم به این بحران (اعمال اصلاحات ضروری نامناسب و نابهنگام) ، عدم استفاده موثر از زور به ظهور انقلاب منجر شد. در رویکرد بریتونی اینکه چرا و چطور در دولت بحران اتفاق افتاد یا اینکه چگونه سیاست ها دولتی ایجاد کرد که نسبت به اختلالات جهانی آسیب پذیر بود ، قابل تبیین نیست. روند تحولات بعدی که موجب تغییر در آرایش طبقاتی می شود ، مذاقه ای ندارد. این رویکرد با چشم پوشی بر عقلانیت و هدفمندی گروه هایی که منافع روشن خود را دنبال می کنند و فرهنگ مقاومت را شکل دادند ، شکل گیری عوامل ایجاد انقلاب را نشان نمی دهد.

در تبیین رویکرد دیویس به انقلاب ، انقلابات تونس در زمان بن علی ، انقلاب مصر در زمان مبارک ، انقلاب لیبی در زمان قذافی و در یمن زمان عبد الله صالح جهانی شدن و گسترش ارتباطات منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات مردم گردید . البته بروز این نارضایتی ها تنها ناشی از انتظارات برآورده شده نبود . چون مبنای شکل گیری آن نارضایتی

ها تنها در مسائل مادی نظیر نابرابری توزیع سرمایه و مصرف در مناطق مختلف کشور، شکاف میان فقیر و غنی، افزایش درآمد برخی اقشار جامعه و محدودیت سرمایه گذاری خلاصه نمی شده است، بلکه دولت به هویت و فرهنگ مردمی و کمک به گسترش فرهنگ بیگانه (به مثابه مدرن شدن)، سلب آزادی های دموکراسی ظاهری و ضابطه مند نبودن تغییرات فرهنگی و اجتماعی به مراتب مهم تر از مورد قبلی است. پس نظریه مذکور تا حدی با انقلابات مورد نظر منطبق است. روندهای دوری افزایش انتظارات و عدم توفیق دولت در تأمین آنها در بسیاری از جوامع به شورش جمعی انجامیده است. مسأله مهم ترتیب چگونگی تحت تاثیر قرار دادن منابع جمعی و توان گروه ها است. چگونگی تاثیر این تغییرات ساختاری بربرد طبقاتی و ماهیت دقیق تخصیص و کاربست منافع با توجه به تاریخ اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی خاص جامعه مورد بررسی متفاوت است. (فراتی، ۱۳۷۷: ۳۰۴)

براساس نظریه هانتینگتون، نارضایتی مردم را در تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه جستجو می کند، تحولاتی که در قرن حاضر به تغییر ساختار اجتماعی، پیدایی طبقه متوسط، افزایش آگاهی و انتظارات گروه های مختلف جامعه منجر گردید. زیرا برنامه هایی که به نام توسعه در کشورهای تونس، مصر، لیبی و یمن اجرا شد. به زیر بنای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی خود بی توجه بود و همین امر نارضایتی را افزایش داد و کنش های ناشی از تحولات اقتصادی اجتماعی را تشدید کرد.

آبراهامیان سخنگوی اصلی این نظریه در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می نویسد: انقلاب نه به دلیل توسعه بیش از حد و نه به علت توسعه نیافتگی، بلکه به سبب توسعه ناموزون رخ داد. «نظریه غیر انقلابی بودن و لمپن ها توسط هانتینگتون که آنها را فاقد پتانسیل لازم برای خیزش انقلابی می داند با واقعیت انقلاب در کشورهای خاورمیانه انطباق ندارد، چرا که در انقلابات اخیر خاورمیانه مناطق و کسانی که از طبقه و جایگاهی برخوردار نبوده اند و بیکارند، دارای نقش فعال بوده و از کانون های خیزش و اعتراضات بودند. همچنین تئوری وی مبنی بر تک بعدی بودن خیزش کارگران صنعتی اینگونه است که می گوید: کارگران صنعتی از لمپن ها انقلابی ترند. اما اهداف انقلابی آنها فقط بر

محور ضرورت های اقتصادی و حقوقی صنفی (دستمزد، بازنشستگی، بیمه و...) دور می‌زند، نیز با واقعیات انقلاب مذکور مطابقت نمی‌کند. اگر چه در ابتدای شکل‌گیری انقلاب، اعتصابات کارگری رنگ صنفی داشت، اما این رنگ، رنگ غالب و ثابت اعتصابات و مبارزات کارگری نبود و در چارچوب اهداف کلان انقلابی و سیاسی بوده و نه اهداف محدود صنفی و اقتصادی. همچنین الگوی شرقی و غربی در نظریه هانتینگتون با انقلابات مطرح شده، منطبق نیست.

در دیدگاه جانسون انقلاب وقتی رخ می‌دهد که یک دولت مشروعیت و اعتبار و اعتماد خود را در پیش ملت خود از دست بدهد و این هنگامی اتفاق می‌افتد که دولت به ارزش های اجتماعی حاکم در بین مردم توجه نکنند. در نتیجه یک ناهماهنگی کارکردی بین نظام اجتماعی و دولت یا نظام حاکم پیش می‌آید. یک نظام اجتماعی وقتی دچار بحران می‌شود که ارزش های اجتماعی « سینکرونیزه» نشوند، یعنی مانند چرخ دهنده های ماشین، دنده ها جا نرود. این ناهماهنگی هنگامی پیش می‌آید که ارزش های جدید و نامتناسب با نظام اجتماعی (ارزش های مغایر با ارزش های سنتی) وارد جامعه شوند. اما ارزش های جدید به نوبه خود از طریق مدرنیزه کردن جامعه و با ورود تکنولوژی جدید که یک تحول سریع را موجب می‌گردند، وارد جامعه می‌شوند... وقتی فرایند و جریان انقلاب آغاز گردد، آنگاه این جریان توسط عوامل شتاب بخش تقویت می‌گردد. مهم ترین این عوامل شتاب بخش عبارتند از:

۱- پیدایش یک رهبر قوی الهام دهنده یا پیامبر

۲- شکست ارتش در یک جنگ که موجب تضعیف روحیه و سازمان آن گردد

۳- تشکیل یک سازمان نظامی انقلابی مخفی (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۲)

در دیدگاه جانسون برای بروز هر انقلاب دو رشته از علل وجود دارند که لازمند. باید به فشارهایی اشاره کرد که به وسیله نظام اجتماعی غیر متعادلی ایجاد می‌شود. در میان تمام ویژگی های یک نظام نامتعادل، آنچه که بیش از همه بروز انقلاب کمک می‌کند، پدیده « رکود قدرت» است. یعنی این واقعیت که در دوره تحول و تغییر، حفظ تمامیت نظام اجتماعی بیش از پیش به استفاده از سلاح های سنگین و حتی غیرمجاز و کشته

وزخمی و مفقود شدن عده ای زیادی از مردم این کشورها اشاره کرد که رژیم برای حفظ خود به استفاده از زور و سرکوب متوسل شد.

دومین رشته از علل لازم از رفتار رهبران سیاسی مایه می گیرد. این علل بالاخص مربوط به توانایی رهبران در ایجاد تحولات سریع و قاطع در شرایط عدم تعادل اجتماعی، اگر این افراد قادر به ارائه و پیاده کردن سیاست هایی برای حفظ اعتماد افراد عادی جامعه نسبت به نظام و قابلیت آن برای حرکت به سوی سازگاری مجدد نباشد، آن اعتبارشان را از دست خواهند داد. در این زمان استفاده از قوه قهریه توسط گروه حاکم و ارباب اعتبار دیگر مشروع تلقی نخواهد شد. اما این هنوز به معنای بروز فوری انقلاب نخواهد بود. تا زمانی که رهبران بتوانند از نیروی انتظامی برای حفظ روابط اجتماعی استفاده برند. نظامی حاکم برجای خواهند ماند اما رکود قدرت به حد نهایی خود خواهند رسید و به ایجاد حکومت پلیسی منجر خواهد شد (الیاسی، ۱۳۶۳: ۹۷)

برای تحلیل و مقایسه بین انقلابات باید بنا بر دیدگاه فوران یکی از عوامل موثر بر انقلابات را مورد تبیین و تحلیل قرار داد که همان ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی جوامع است.

جدول مقایسه وضعیت اجتماعی اقتصادی سیاسی مذهبی کشورها

کشور	نقطه شروع	وضعیت اقتصادی - اجتماعی	وضعیت مذهبی	وضعیت سیاسی
تونس	به آتش کشیده شدن سیدی بوزید سیزی فروش به دلیل مصادره اموال توسط پلیس واحساس حقارت	اقتصادی متنوع و دارای بخش های قدرتمند کشاورزی، معدن، توریسم و صنعت. اقتصاد آزاد و صادرات خصوصاً نفت یکی از مهم ترین درآمدهای ارزی است. سیستم اقتصادی آزاد (صادرات - گردشگری - کنترل دولت بر بخش های اقتصادی - از اعضای موسس سازمان تجارت جهانی - رشد اقتصادی - منابع مالی و فرصت های تجاری در اختیار گروه اقلیت)	۹۸ درصد مسلمان، دولتی شدن مذهب وعدم دخالت رهبران دینی در حکومت	حکومت جمهوری و نظام تک حزبی، ممنوعیت آزادی های مدنی و سیاسی
مصر	خودکشی یک معترض مصری پس از سقوط دولت تونس پس از سقوط دولت تونس	جزو ۲۷ کشور برتر از لحاظ حجم تولید ناخالص ملی، یکی از بزرگترین اقتصاد های زیرزمینی (فعالیت اقتصادی غیر رسمی)، بازیگر اصلی تمدن،	۹۰ درصد مسلمان	مشارکت سیاسی ضعیف و ممانعت فعالیت های حزبی، حاکمیت استبداد، جنبش های جامعه مدنی (کفایه، جنبش جوانان شش آوریل)، نقش رهبری جهان عرب، عدم

<p>شفافیت نظام سیاسی پس از مبارک ، دارای پیشینه درخشان مبارزات ناسیونالیستی دهه های ۱۹۵۰ و ۶۰ و حضور قدرتمند احزاب چپ در دوران جنگ سرد</p>				
<p>جمهوری سوسیالیستی - کنگره عمومی خلق بالاترین نهاد تصمیم گیری - ممنوعیت فعالیت احزاب ، نظام استبدادی و بسته ساختار نظام جماهیر متفاوتی را ایجاد کرده - فاقد قانون اساسی مدون و احکام شورای فرماندهی جایگزین قانون اساسی نظام استبدادی و بسته ساختار نظام جماهیر متفاوتی را ایجاد کرده - فاقد قانون اساسی مدون و احکام شورای فرماندهی جایگزین قانون اساسی</p>	<p>۹۷٪ مسلمان</p>	<p>۹۰٪ صحرای خاک بدون آب و علف و مواد غذایی وارداتی، متکی به نفت و رکود اقتصادی (۲۰۰۹)، جمعیت کم در نتیجه درآمد سرانه بالا - تبعیض در اختصاص درآمد نفتی برای رفاه و آسایش همه اقشار و افزایش بیکاری.</p>	<p>اعلام روز خشم از طریق فیس بوک</p>	<p>لیبی</p>
<p>شمال تحت نفوذ عثمانی و جنوب تحت مستعمره انگلیس ، صف بندی اپوزیسیون و ائتلاف احزاب</p>	<p>شمال مسلمان و جنوب سکولار،</p>	<p>اقتصاد مبتنی بر کشاورزی (کشور کم درآمد) - بیکاری، تورم ، ناآرامی های اجتماعی - صادرات نفت خام و آبریزان ، شکاف های سیاسی اجتماعی (قبیله گرایی ، اختلاف بین شمال و جنوب ، جنوب تحت قوانین تجارت آزاد ، القاعده)</p>	<p>اوج اعتراضات در روز خشم (۳ فوریه)</p>	<p>یمن</p>
<p>استبدادی و حکومت مطلقه،</p>	<p>بیش از ۹۵٪ مسلمان</p>	<p>ترادف دو مفهوم انقلاب و بعثت ، نگاه آینده براساس آموزه های مهدویت و انقلاب مهدی ، موقعیت استراتژیک ایران و تاخت و تاز اقوام گوناگون، مدرنیته ناقص ، تاریخ ۳۵۰۰ ساله ، حضور دولت های بیگانه در ایران و عقد قراردادهای استعماری ، اختناق داخلی ، نارضایتی اقتصادی و عدم ثبات اقتصادی ، نفوذ فرهنگ غرب، تغییرات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی سریع و ناهمگون،</p>	<p>الگوگیری از عاشورا و پیروزی خون بر شمشیر</p>	<p>ایران</p>

با مطالعه موارد فوق می توان عناصر مشترک انقلابات مورد بررسی را شامل این موارد دانست: بی کفایتی سیاسی و مدیریتی حاکمان، استبداد و قدرت مطلقه و فاصله گرفتن از مردم، بحران های مالی و اجتماعی گسترده و پیامدهای آن (بیکاری، تورم، کاهش رشد اقتصادی، آسیب های اجتماعی، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی، بی

هنجاری و...)، حضور روشنفکران و مردم در صحنه، وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی و الگوگیری از سایر انقلابات، وجود رهبران هدایت‌کننده و خوش‌فکر، وابستگی و توسعه نامتوازن. البته می‌توان علت‌العلل همه انقلابات را نابرابری‌های موجود دانست.

همچنین هر انقلابی منحصر به فرد بوده و در عین تشابه با سایر انقلابات، با توجه به مقتضیات جامعه خود پیش رفته و تمایزاتی دارد. پس مطالعه تطبیقی انقلابات بحثی پیچیده است. تمایز انقلاب اسلامی ایران با سه انقلاب دیگر این است که تبعیضات مذهبی و مقابله حکومت و طبقات حاکمه با باورهای مذهبی مردم موجب انقلاب گردید. سکولار شدن حکومت و مقابله اصلی عامل اصلی انقلاب ایران بود. «در ایران اواخر دوره قاجار رواج بی‌دینی در حیطه اشراف سرعت گرفت و در دوره رضاشاه به شکل علنی درآمدوبه مبارزه علنی درآمد و به مبارزه ای خشن علیه دین و مظاهر دینی چون حجاب، عاشورا و مراسم سینه زنی و روحانیت انجامید.» (پریزاد، ۱۳۸۴: ۶۱)

به عبارتی ریشه اصلی انقلاب ایران مذهبی است ولی ریشه اصلی انقلابات دیگر اجتماعی و نابرابری است. اهداف آرمانی انقلاب ایران حکومت مهدی (عج) است و عدالت برگرفته از اسلام ولی اهداف آرمانی سایر انقلابات عدالت برگرفته از نظرات و فلاسفه غربی (مثل افلاطونی) است. تمایز دیگر مربوط به رهبری بود که برخاسته از مردم و فرهنگمندان بود. انقلاب ایران و امدار انقلابات مدرن یا شبه مدرن کنونی نبود.

فهرست منابع

۱. آریان پور، عباس (۱۳۵۳) فرهنگ لغات ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
۲. استانفورد کوهن ، آلوین (۱۳۸۷) تئوری های انقلاب ، ترجمه علیرضا طیب ، چاپ هفدهم ، تهران ، نشر قومس.
۳. اندرسون ، کوین (۱۳۹۰) انقلاب های عربی در چهار راه ، ترجمه سعید طهموری ، دارالشفاء انقلاب
۴. بشیریه ، حسین (۱۳۷۲) انقلاب و بسیج سیاسی ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. پریزاد ، رضا (۱۳۸۴) زمینه های پیدایش انقلاب ، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
۶. جانسون ، چالمرز (۱۳۶۳) تحول انقلابی ، ترجمه حمید الیاسی ، تهران انتشارات امیر کبیر
۷. جوکار ، مهدی (۱۳۹۰) سنخ شناسی انقلاب یمن ، مرکز بین المللی مطالعات صلح IPSC.
۸. خرمشاد ، محمد باقر (۱۳۸۳) بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه های انقلاب : تولد و شکل گیری نسل چهارم تئوری های انقلاب ، مجله جامعه شناسی ایران ، دوره پنجم ، شماره ۳.
۹. رفیع پور ، فرامرز (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، تهران ، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. ساروخانی ، باقر (۱۳۸۳) روش های تحقیق در علوم اجتماعی ، چاپ هفتم ، ج ۱ تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۱. سیدی ، فرانک (۱۳۹۸) جامعه شناسی تبلیغات ، اراک ، انتشارات جهاد دانشگاهی .
۱۲. سیف الهی ، سیف اله (۱۳۸۱) جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران : مجموعه مقاله ها ونظرها ، تهران ، انتشارات جامعه پژوهان سینا
۱۳. فراتی ، عبدالوهاب (۱۳۷۷) رهیافت نظری بر انقلاب اسلامی ، مجموعه مقالات ، قم ، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.

۱۴. فوران، جان (۱۳۸۵) نظریه پردازى انقلاب ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، نشر نی.
۱۵. فوران، جان (۱۳۷۵) نظریه ای در خصوص انقلاب های جهان سوم: مقایسه ای بین ایران، نیکاراگوئه و السالوادور، ترجمه مینو آقایی خوزانی، مجله راهبرد، شماره ۹.
۱۶. محمدی، منوچهر (۱۳۶۶) تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۱۷. مرشدزاده، علی (۱۳۹۰) تونس، پایان نامه ک
۱۸. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۶) بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازى ها، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۲) سیری در نظریه های انقلاب، تهران، نشر قومس.
۲۰. نیاکویی، امیر (۱۳۹۰) تحولات اخیر خاورمینه و شمال آفریقا: ریشه ها، پیامدهای متفاوت، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.